



روزنامه جوان | شماره ۵۸۲۲ |

گفت‌و گو

محمدصادق عبداللهی

گفت‌وگو با دکتر میثم مهدیار پیرامون ساختارهای تاریخی – اجتماعی فساد و راه‌های مقابله با آن در گام دوم انقلاب

# مبارزه با فساد باید از مسیر قابلیت‌های فرهنگ عمومی باشد

آن طور که در بیانیه گام دوم آمده است، مبارزه با فساد از ضرورت‌های گام دوم است که همه نهادها و دستگاه‌ها و کنشگران باید خودرا ملزم به مشارکت در آن بدانند. در این مبارزه آنچه اولویت دارد شناخت دقیق مسئله فساد از ابعاد گوناگون به‌ویژه اجتماعی است چراکه قدمت انحصار طلبان، قدمتی یکی دو ساله نیست و می‌توان رد آنها را در تاریخ بی ی گرفت. دکتر میثم مهدیار، جامعه‌شناس و معاون پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی معتقد است فساد ساختاری یا به تعبیر بهتر شبکه‌ای بعد از حاکمیت صفویه و به‌ویژه با کشف نفت در دوره قاجار ها شکل گرفت و آنچه امروز می‌تواند اقتصاد را از انحصار این طبقه نجات دهد شفافیت است. البته این امر مهم، محال است بدون



رمان‌نویسری جوان

**جناب دکتر! اگر بخواهیم نگاهی تاریخی و اجتماعی به مسئله فساد داشته باشیم، چه شده که اصلا فساد به وجود آمد و حلقه‌های فساد چطور توانستند به این شکل با گیری کنند؟**
  
برای پاسخ به سؤال شما باید نگاهی به سیر تحول اقتصاد سیاسی کلان کشور در سده‌های اخیر به‌ویژه از صفویه تا به امروز بیندازیم. در دوران حاکمیت صفویه موانع کشور در حوزه صادرات و واردات مثبت بود. مواردی وارد می‌شد و فناوری‌هایی روی آن انجام می‌گرفت اما از دوران حاکمیت صفویه به بعد و به‌ویژه با کشف نفت در دوره قاجار، موانع اقتصادی منفی و ایران از صادرکننده کالا به صادر کننده مواد خام و اولیه مبدل شد. صادرات مواد خام فقط هم محدود به نفت نبود بلکه ابریشم و موادی چون چای، توتون و تنباکو هم صادر می‌کردیم که ماجراهایی مثل قرارداد داریس و رومیتز ناظر به همین استمرار مواد اولیه در ایران برای چندین دهه است. این تغییرات به تدریج طبقه اقتصادی خاصی را شکل کرد. البته اینجا اختلافی هم بین صاحب‌نظران وجود دارد و برخی برعکس آنچه که گفتیم، معتقدند آن طبقه اقتصادی و اجتماعی خاصی بود که روند واردات کالاهای مصرفی را برای سود و منفعت شخصی خود تسهیل کرد. حالا من نمی‌خواهم به این اختلاف بپردازم؛ اصل حرف این است که ما طی این دوران که مختصر عرض شد به هر طریق تبدیل به وار دکننده مواد مصرفی شدیم و طبقه اجتماعی خاصی از این تغییر سود و منفعت می‌برد. طبقه‌ای که منافعهش در واردات بود. نه فقط واردات کالا و صادرات مواد خام که حتی واردات فرهنگی، اجتماعی و علمی؛ این طبقه‌ای آنکه در حوزه عمومی روند واردات و استفاده از کالاهای وارداتی را تسهیل کنند. تلاش کرد فرهنگ ایرانی را تحقیر کند و منفی جلوه دهند تا خود را راینارمند واردات ببینیم؛ به این شکل نوعی تفکر وارداتی نیز در ایران شکل گرفت.

**می‌شود مثالی از تلاش‌های این طبقه برای تحقیر فرهنگ عمومی ذکر کنید؟**

مثلاً در علوم‌ی مثل جامعه‌شناسی، پارادایمی شرق‌شناسانه حاکم شد که امکان هر نوع تحول فرهنگی، خلاقیت و برنامه‌ریزی بلندمدت را برای ایرانی منتهی می‌دانست و به انواع و اقسام ما را تحقیر می‌کرد. حتی در حوزه اخلاق عمومی ما را تحقیر می‌کردند و هر صفت منفی از جمله خشونت‌طلبی، تکروی، دروغ‌گویی و ریاکاری را به ایرانی نسبت می‌دادند. این جریان هنوز هم ادامه دارد و آن هم شاهد هستیم که بعضی از روشنفکران سعی می‌کنند متأثر از آن جریان، تصویری سیاه و تاریک از فضای فرهنگی و اجتماعی ایران جلوه دهند. حتی اگر نکته مثبتی هم به نظرشان می‌آید آن را منسوب به دوره‌ای خاص مثل قبل از اسلام می‌کنند که الان تمام شده و از بین رفته است. این طبقه اجتماعی، حتی در سیاست خارجی هم ایدئولوژی‌ی را در پیش گرفت که تفکر وارداتی را تسهیل کند. آنها با انواع و اقسام روش‌ها سعی کردند به مردم بفهمانند که دنیا به سمت عقلانیت، پیشرفت و توسعه می‌رود و ما هم برای اینکه از این کاروان توسعه عقب نمانیم و با آنها همراه شویم باید هر چه گفتند بپذیریم. برای همین است که در روندی تاریخی روابط اقتصادی و سیاسی ما با جهان خارج رابطه‌ای شد که در یک سوشن جهان بر مدار عدل و نظم بود و در سویی دیگرش ایران استثنایی که از هر نظر سیاه و عقب‌مانده است!

**رابطه این طبقه با حاکمیت چطور بود؟**

این طبقه اقتصادی و اجتماعی که بعضی‌ن آن را طبقه مستعمراتی نام گذاشته‌اند، زمینه‌هایی برای رشد و بقا نیاز داشت تا بتواند موقعیت خود را به عنوان طبقه اجتماعی

تثبیت کند. طبقه اجتماعی یعنی گروهی که دور هم جمع و به منافع‌شان خودآگاه می‌شوند و تلاش می‌کنند سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در خدمت و به نفع خودشان دربریاورند. این طبقه مستعمراتی در جامعه‌های مثل جامعه ما که نفت و منابع اولیه گسترده‌ای دارد، توانست با نزدیک شدن به قدرت پایه‌های خودش را محکم کند و روندهای صادرات و واردات را به صورت انحصاری در دست بگیرد.

**آنچه از این طبقه گفتید مربوط به پیش از انقلاب بود؛ آیا بعد از انقلاب هم این طبقه توانست خودش را باز آفرینی کند؟**

این طبقه و رابطه آن با حاکمیت پس از انقلاب اسلامی تضعیف شد اما به کلی از بین نرفت. شاید بتوان گفت نهایتاً افرادی در آن جابه‌جا شدند و نظام هم با برخی از آنها به عنوان مفسد برخورد کرد اما شواهد نشان می‌دهد این طبقه همچنان وجود دارد و در روندها تأثیرگذار است و شاید متأثر از اتفاقات اقتصادی سال‌های اخیر در حال قدرت گرفتن نیز باشد. نمی‌خواهم بگویم این طبقه از تمام ابعاد همان است که پیش از انقلاب بود اما خوب نشانه‌های آن مشهود است و باید مورد مطالعه قرار گیرد.

**فکر می‌کنید چه چیزی باعث شده این طبقه بعد از انقلاب همچنان حضور داشته باشد؟**

مهم‌ترین و محور اصلی قدرت‌یابی این طبقه در همه دوران‌ها مسئله تعارض منافع بوده است. این طبقه به هر شکل در موقعیت سیاست‌گذاری قرار می‌گرفتند و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به نفع خودشان تعیین می‌کردند. مثلاً چه در پیش از انقلاب و چه بعد از آن، کمیسیون بهداشت مجلس در اختیار پزشکان بوده و این موجب شده سیاست‌ها در حوزه بهداشت و درمان به سمت پزشک‌سالاری و درمان‌محوری برود. حتی وقتی حاکمیت تلاش کرد رفاه عمومی را در زمینه سلامت گسترش دهد و هزینه‌های بسیاری بالغ بر ۲۵ تا ۳۰هزار میلیارد تومان را به نظام سلامت تزیق

بردهادت و درمان به سمت پزشک‌سالاری و درمان‌محوری برود. حتی وقتی حاکمیت تلاش کرد رفاه عمومی را در زمینه سلامت گسترش دهد و هزینه‌های بسیاری بالغ بر ۲۵ تا ۳۰هزار میلیارد تومان را به نظام سلامت تزیق



**را شفافیت گذاشت؟ این کار چه آسیب‌هایی دارد؟**

شفاف شدن حجم زیادی از داده‌ها و اطلاعات شاید دتر موجب گیج شدن مردم نشود و اتفاقاً خودش به نوعی ضدشفافیت باشد؛ مردم نمی‌فهمند در میان این حجم انبوه داده، قرارداد و اطلاعات چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. آشفتگی در شفافیت خودش می‌تواند ابزاری برای فساد بیشتر نشود. به همین خاطر معتقد دسترس‌سی آزاد به اطلاعات، قدم اول برای رفع ایراداتی است که شرح دادم و باید مراحل دیگری آن را تکمیل کند. الان در مرحله مطالبه می‌کند، بر اساس صنّف و قشری سیاستی را است یا بسا پشتوانه کار کارشناسی

# گام دوم

کام دوم ۸۸۴۹۸۴۷۶

مشارکت مردمی و تشکل‌یابی آنها اثربخش باشد. هر چند شیرینی پول و ثروت می‌تواند همین تشکل‌ها و مشارکت مردمی را نیز به فساد بکشاند؛ از همین رو گریزی جز تقویت دغدغه‌مندی اجتماعی و اخلاق فردی و جمعی یا به عبارتی بسط فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نداریم. مهدیار به مسئله فساد نه به صورت امری صرفاً اقتصادی بلکه به شکل چرخه‌ای تاریخی – اجتماعی می‌نگرد که شفافیت و دسترس‌سی آزاد به اطلاعات گام نخست مبارزه با آن است و اگر مراحل بعدی‌اش تکمیل و درباره ابعاد آن گفت‌وگو نشود، به همان اندازه که می‌تواند مفید واقع شود، می‌تواند ساختار اجتماعی را به نابودی بکشاند. مشروح گفت‌وگو با دکتر میثم مهدیار را در ادامه بخوانید.

# مبارزه با فساد باید از مسیر قابلیت‌های فرهنگ عمومی باشد

مشارکت مردمی و تشکل‌یابی آنها اثربخش باشد. هر چند شیرینی پول و ثروت می‌تواند همین تشکل‌ها و مشارکت مردمی را نیز به فساد بکشاند؛ از همین رو گریزی جز تقویت دغدغه‌مندی اجتماعی و اخلاق فردی و جمعی یا به عبارتی بسط فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نداریم. مهدیار به مسئله فساد نه به صورت امری صرفاً اقتصادی بلکه به شکل چرخه‌ای تاریخی – اجتماعی می‌نگرد که شفافیت و دسترس‌سی آزاد به اطلاعات گام نخست مبارزه با آن است و اگر مراحل بعدی‌اش تکمیل و درباره ابعاد آن گفت‌وگو نشود، به همان اندازه که می‌تواند مفید واقع شود، می‌تواند ساختار اجتماعی را به نابودی بکشاند. مشروح گفت‌وگو با دکتر میثم مهدیار را در ادامه بخوانید.



دوران حاکمیت صفویه به بعد و به‌ویژه با کشف نفت در دوره قاجار، موانع اقتصادی منفی و ایران از صادرکننده کالا به صادر کننده مواد خام و اولیه مبدل شد. این تغییرات به تدریج طبقه اقتصادی خاصی را شکل داد

و باید به اینکه چطور می‌توان اطلاعات و داده‌های شفاف شده را در جهت عدالت، آزادی و امنیت بیشتر استفاده کرد، بیندیشیم.

**به نظر شما چه راه‌هایی برای مشارکت بیشتر و استفاده مردم از اطلاعات شفاف شده می‌توان در پیش گرفت تا به قول شما به عدالت، آزادی و امنیت بیشتر نزدیک شویم؟**

شاید یکی از بهترین راه‌این باشد که نظارت مردم را ارتقا داد. یعنی اجازه دهیم حسند یکاها و اصناف طبقه پایین به معنای واقعی شکل بگیرند و این تشکل‌ها حجم گسترده اطلاعات را هم‌فهم، دست‌بندی و به زبان مردم ترجمه کنند و با اتکا به پشتوانه مردمی پیگیر مطالبات آنها شوند. به عبارت دیگر نظارت مردمی یعنی افرادی که در محلات مختلف زندگی می‌کنند، ضمن تشکل‌یابی اطلاعاتی مثل قرارداده‌ها و مجوزهای شهرداری را که الان منتشر می‌شود، بررسی و مشخص کنند کدام یک مربوط به سرنوشت محله خودشان است. بعد درباره آن اطلاعات گفت‌وگو کنند تا مطالبات عمومی را مشخص کنند و پیگیر آنها شوند. البته این که گفتیم به معنای مخالف من با دقامی که شهرداری تهران برداشته نیست. اتفاقاً این شفافیت کار خیلی خوبی است. منتها این قدم اول است؛ این قدم باید برداشته می‌شد تا حالا ما درباره لوازم بعدی حرف بزنیم، تجربه کنیم و با آنباشت تجربه رو به جلو برویم.

**مال‌الانصافی دارم که وظیفه‌شان همین است؛ منظور شما چیزی فرای این است؟**

بله اصناف داریم ولی عمدتاً محدود به مشاغل هستند و به دلیل فقدان شفافیت خودشان بعضاً محلی انحصاری شده‌اند. مثلاً فلاّن صنف یک‌دفعه تصمیم می‌گیرد مالیات ندهد و تصمیم‌شان روی حاکمیت تأثیر می‌گذرد. همین‌الان پزشکان تأثیری می‌کنند که کارانه‌هایشان را از مالیات معاف کنند یا سلبریتی‌ها را دیدید که چطور برای نبرداختن مالیات اقدام کردند. به اصناف وجود دارند و در بودجه هم تأثیر گذارند. به یک معنا ما دموکراتیک هستیم و اصناف با یکدیگر رقابت می‌کنند. اما گویا همه اینها از اقبالر بالادست و همان طبقه مستعمراتی و واردات‌چی هستند که سیاست‌ها را به نفع خودشان شکل و جهت می‌کنند. آنکه سرش بی‌کلاه مانده طبقات پایین مثل کارگران، حاشیه‌نشین‌ها و آسیب‌دیدگان اجتماعی هستند که چون قدرت تشکل‌یابی و رسانه‌ای کمتری دارند، چندان موفق به حضور و اعتراض تشکلیاتی نمی‌شوند. وقتی هم می‌خواهند به مسئله‌ای اعتراض کنند، بلافاصله در دخالت دیگران به اغتشاشات می‌انجامد و مطالبات‌شان منحرف و با آنها برخورد می‌شود.

**این به قول شما سندیکارها چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ طبیعتاً وقتی حسند شکایاتی پزشکی می‌خواهد شکل بگیرد باز همین پزشکان هستند که در آن عضو می‌شوند.**

نه الزاماً مردمی که دغدغه اجتماعی دارند و حاضرند برای منافع جمعی از منافع سادی و کوامدت خود بگذرند، می‌توانند انجمن‌های سلامت شکل دهند و از حقوق خودشان دفاع کنند. وقتی آنها بدانند که منابع طرح تحول سلامت از محل هدفمندی یارانه‌هاست، یعنی من نوعی پول بیشتری برای بنزین می‌دهم تا بخشی از آن در سلامت هزینه شود ولی ۷۰ تا ۸۰ درصد این به جیب پزشکان می‌رود؛ از حق خودشان دفاع خواهند کرد.

**بله این را قبول دارم؛ ولی سؤال این است که این انجمن‌ها را قرار است کدام مردم تشکیل دهند؟**

به هر حال آدم سکولار کافر هم که در محله‌ای زندگی می‌کند، وقتی می‌بیند زباله جمع نمی‌شود و موش محله را گرفته است، حساسیتی نشان می‌دهد. اگر در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ما امکان مشارکت جدی باشد، همین آدم متشکل می‌شود و بهداشت و سلامت محله را مطالبه و پیگیری می‌کند.

**استقرار نظام حزبی می‌تواند به این مسئله سامان دهد؟**

من در این مسئله با استقرار نظام حزبی چندان موافق نیستم. نظام حزبی هم آسیب‌هایی دارد. بهتر است از همان لفظ تشکل‌یابی استفاده کنیم. واژه «حزب» معنای خاصی دارد. ما باید زمینه را برای مشارکت مردمی کلیات هستیم و نیاز به بحث‌های اولیه داریم اما نباید از اعتراض‌شان را بیان کنند و درباره خواست‌شان حرف

بزنند.

**شورای محلات چطور؟ سازوکاری که گفتید بسیار نزدیک به همین شورا‌های محلی است.**

بله در کلیت حوزه شهری خوب و به نوعی تشکل‌یابی در محلات است ولی آنها هم مشکلاتی دارند و اگر عملکردشان، مصوبات‌شان و… شفاف نباشد می‌تواند به فساد بینجامد. حرفم این است که صرف فرم ماجرا را حل نمی‌کند. بله فرم‌هایی مثل انجمن‌های محلی، شورایاری و… داریم. منتها چرا هیچ کدام از این‌ها به مشارکت نمی‌انجامد؟ چون مردم ضرورت یا امکان این شورا را حس نکرده‌اند، شوراها برای عده‌ای تبدیل به حیاط خلوت شده‌اند. مثلاً در محله‌ای که ما زندگی می‌کنیم در شورایاری‌های گذشته چند دلال رأی آورده و امور محله را در دست گرفته بودند. دلال‌ها که در سوءاستفاده حرف اول را می‌زنند حالا دیگر از شفافیت قرار داده‌های شهرداری هم استفاده می‌کردند و کاملاً می‌فهمیدند که کجا چه طرحی قرار است ایجاد شود و این طرح روی قیمت کوچه‌ها و زمین‌ها چه تأثیری می‌گذارد خوب این واقعاً جز اینکه خودش موجب فساد خواهد شد دستاوردی ندارد.

**این گونه سوءاستفاده‌های تانود در همان سندیکارهایی که شما پیشنهاد داد بد هم رخ دهد؛ چه تضمینی وجود دارد که آنها آغشته به فساد نشوند؟**

اینکه عرض کردم شفافیت مسئله‌ای چندوجهی است و باید به تبعات مختلف آن فکر کرد ناظر به همین‌هاست. برای ممانعت از این گونه فسادها، بخشی از کار ایجاد شفافیت است اما بخشی دیگر اخلاق عمومی و حرفه‌ای است. در این راستا باید زمینه‌های ساختاری همچون مساجد، حسینیه‌ها و افرادی که دغدغه اجتماعی و فرهنگی دارند و می‌توانند اخلاق عمومی و حرفه‌ای را تضمین کنند، تقویت و پشتیبانی شوند تـسا به صحنه بیابند و نقش آفرینی کنند. عرض کردم ما الان در بحث‌های ابتدایی هستیم ولی باید به آن ابعاد هم توجه داشت.

**بر توضیحاتی که فرمودید به نظر تان در شرایط کنونی شفافیت اطلاعات موجب مشارکت اجتماعی، عدالت و مبارزه با فساد خواهد شد یا بدتر احساس بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی را در مردم دامن**

اگر مسجدی اصیل باشد و در واقع دائم این تعهد و مسئولیت اجتماعی را به نمازگزاران و مسجدی‌ها تزیق کند، بله می‌تواند و بسیار هم جای خوب و مناسبی است. اصلاً اگر مسجدی این ویژگی‌ها را داشته باشد، خود به خود شورایاری می‌رود آنجا. ما الان محلات بسیاری داریم که شورایاری در همان مسجد است اما متأسفانه شاید بالای ۹۰ درصد مساجد ما این ویژگی‌ها را ندارند. مسجدی که دیوارش دو جهان متفاوت را از هم جدا می‌کند و دنیاى داخل مسجد با دنیاى کوچه و خیابان، فرسنگ‌ها فاصله دارد، نمی‌تواند مسجد ایده‌آلی باشد و این حرف‌ها هم از آن در نمی‌آید. مسجدی که صرفاً محلی برای نماز است و آدم‌ها فقط وقت نماز آنجا پیدایشان می‌شود و پیش‌نماز هم نهایتاً بعد از نماز دو حدیث مربوط به دین‌داری و احکام فردی برایشان می‌گویند، مسجدی نیست که از تربیت‌شدگان آن توقع دغدغه‌مندی اجتماعی و نگرانی برای وضعیت‌چپه، سالمند و بزرگسال داشته باشیم. مسجدی هم که دغدغه اجتماعی نداشته باشد، حتی اگر شورایاری هم در آن برود منفعتی که برای مردم ندارد هیچ، بعضاً ضرر هم دارد؛ مثلاً خود مسن دیدم که در جریان ریمراز (بیت‌کوبن)‌ها بعضی از مساجد چون برق رایگان دارند، بعداً استفاده می‌کردند و سرورهایی را به اسم کسب درآمد برای کار فرهنگی در مسجد قرار داده بودند. یعنی طرف حاضر شده بود به اسم کار فرهنگی، ضربهای به اقتصاد کشور بزند! یا مسجدی در یکی از محلات تهران، چندسال بر سر زمینتی که شهرداری می‌گفت فضای سبز است، درگیر بود.

**امر به معروف و نهی از منکر یکی از الزامات شفافیت است؟**

بله حتماً. این فرهنگ می‌تواند تا سطوح بالا به مشارکت و ان چیزتی که ما از شفافیت طلب می‌کنیم، کمک کند. منتها امر به معروف و نهی از منکر وقتی اتفاق می‌افتد که داده‌های شفاف وجود داشته باشند و بدانیم چه چیز را باید نهی

از منکر کرد. همان‌طور که گفتیم این مسئله چرخه‌ای اجتماعی است و تک‌ساختی نیست. ابعاد مختلف و مقدماتی دارد که باید فراهم شود و بعد آنها که دغدغه ارزشی و اجتماعی دارند فرهنگ مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری را پیش ببرند تا این تجربه در دیگران هم نمود پیدا کند و با تجمع و هم‌افزایی کار پیش رود.

**یکی از آسیب‌هایی که فکر می‌کنم وجود دارد این است که وقتی اطلاعاتی شفاف می‌شود کمتر مردم به آن اعتماد دارند. عمدتاً فکر می‌کنند پشت این اطلاعات باز چیز دیگری است که از آنها پنهان مانده است. به نظر تان این آسیب از کجا نشئت می‌گیرد و چطور باید آن را رفع کرد؟**

متأسفانه بعضی از افشارگری‌های مسئولان که به اسم شفافیت است، موجب شد مردم به شفافیت به چشم دیگری نگاه کنند و شفافیت بافشارگری یکی گرفته شود. برخی از عمدتاًسیاسیون برای پیشبرد کار خودشان از عطش مردم برای دانستن استفاده و اطلاعاتی را فاش کردند که صحیح نبود. مثلاً در قضیه بودجه چون می‌خواهند بودجه شرک‌ک‌های دولتی پنهان بماند، پروپاگاندايي به اسم شفافیت علیه مؤسسات فرهنگی آغاز می‌کنند، در حالی نه منتها زمینه را برای ارتقای مشارکت اجتماعی فراهم می‌کند اما عوامل برای به سرانجام رسیدن کاد و بهره‌وری عوامل مختلفی دخیل است که باید درباره آنها فکر کرد. توجه کنید که این احتمالات نباید موجب ترس و مانع ایجاد شفافیت شود.

شفافیت به عنوان مقدمه ضروری است. در شرایط کنونی قطعاً بودن شفافیت بهتر از نبودن‌اش است اما باید فهم کنیم که این قدم اول است و اگر فقط در قدم اول ممانیم، خطراتی برای جامعه به بار خواهد آورد. قدم اول باید برداشته شود تا بعد حساسیت مردمی بالا برود و راه برای مراحل بعدی هموار شود. لذا همین‌طور که مرحله به مرحله شفافیت ایجاد می‌شود، باید از طرف دیگر زمینه‌های فکری و دینی‌ای را که مشارکت، مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی را تقویت می‌کند، بسط دهیم. ما نمونه

شنبه ۳ اسفند ۱۳۹۸ | ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ |

تاریخی خوبی پیش‌رویمان است. انقلاب اسلامی بر اساس حس مسئولیت اجتماعی باید آمد و مسئولیت‌پذیری مردم بود که انقلاب را به پیروزی رساند اما متأسفانه به دلایلی در حال حاضر منافع شخصی بر منافع عمومی ارجحیت یافته است. در حال حاضر باید از این تجربه تاریخی درس بگیریم و در تشکل‌یابی‌ها حساسیت مردم را نسبت به نایراری، فقر، فساد و آسیب‌های اجتماعی ارتقا ببخشیم و از این امکان‌های فرهنگی – تاریخی – اجتماعی استفاده کنیم. در فرهنگ عمومی ما امکان مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی به وفور وجود دارد منتها خیلی از اینها پوشیده و نادیده گرفته شده است. اینجا دیگر کار روحانیون، روشنفکران، فعالین اجتماعی و اصحاب رسانه است که باید کمک کنند تا تغییر جدی‌ای رقم بخورد. من باز هم تکرار می‌کنم که این تبعات نباید مانع شفافیت باشد و بگویم خـب اول برویم اینها را درست کنیم بعد قدم اول شفافیت را برمی‌داریم. نه من معتقدم قدم اول باید برداشته شود تا مردم بدانند مسئولیت اجتماعی شان چه سمت و سویی باید داشته باشد. لذا قدم اول شفافیت لازم است، ولی کافی نیست. شرط لازم باید اتفاق بیفتد و بعد درباره شرایط افزایش بحث کنیم.

**اگر به جای شورایاری‌ها مساجد را محور تشکل‌یابی قرار دهیم بهتر نیست؟ این طور مسائل اخلاقی هم که گفتید، رعایت می‌شود.**

اگر مسجدی اصیل باشد و در واقع دائم این تعهد و مسئولیت اجتماعی را به نمازگزاران و مسجدی‌ها تزیق کند، بله می‌تواند و بسیار هم جای خوب و مناسبی است. اصلاً اگر مسجدی این ویژگی‌ها را داشته باشد، خود به خود شورایاری می‌رود آنجا. ما الان محلات بسیاری داریم که شورایاری در همان مسجد است اما متأسفانه شاید بالای ۹۰ درصد مساجد ما این ویژگی‌ها را ندارند. مسجدی که دیوارش دو جهان متفاوت را از هم جدا می‌کند و دنیاى داخل مسجد با دنیاى کوچه و خیابان، فرسنگ‌ها فاصله دارد، نمی‌تواند مسجد ایده‌آلی باشد و این حرف‌ها هم از آن در نمی‌آید. مسجدی که صرفاً محلی برای نماز است و آدم‌ها فقط وقت نماز آنجا پیدایشان می‌شود و پیش‌نماز هم نهایتاً بعد از نماز دو حدیث مربوط به دین‌داری و احکام فردی برایشان می‌گویند، مسجدی نیست که از تربیت‌شدگان آن توقع دغدغه‌مندی اجتماعی و نگرانی برای وضعیت‌چپه، سالمند و بزرگسال داشته باشیم. مسجدی هم که دغدغه اجتماعی نداشته باشد، حتی اگر شورایاری هم در آن برود منفعتی که برای مردم ندارد هیچ، بعضاً ضرر هم دارد؛ مثلاً خود مسن دیدم که در جریان ریمراز (بیت‌کوبن)‌ها بعضی از مساجد چون برق رایگان دارند، بعداً استفاده می‌کردند و سرورهایی را به اسم کسب درآمد برای کار فرهنگی در مسجد قرار داده بودند. یعنی طرف حاضر شده بود به اسم کار فرهنگی، ضربهای به اقتصاد کشور بزند! یا مسجدی در یکی از محلات تهران، چندسال بر سر زمینتی که شهرداری می‌گفت فضای سبز است، درگیر بود.

**امر به معروف و نهی از منکر یکی از الزامات شفافیت است؟**

بله حتماً. این فرهنگ می‌تواند تا سطوح بالا به مشارکت و ان چیزتی که ما از شفافیت طلب می‌کنیم، کمک کند. منتها امر به معروف و نهی از منکر وقتی اتفاق می‌افتد که داده‌های شفاف وجود داشته باشند و بدانیم چه چیز را باید نهی از منکر کرد. همان‌طور که گفتیم این مسئله چرخه‌ای اجتماعی است و تک‌ساختی نیست. ابعاد مختلف و مقدماتی دارد که باید فراهم شود و بعد آنها که دغدغه ارزشی و اجتماعی دارند فرهنگ مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری را پیش ببرند تا این تجربه در دیگران هم نمود پیدا کند و با تجمع و هم‌افزایی کار پیش رود.

**یکی از آسیب‌هایی که فکر می‌کنم وجود دارد این است که وقتی اطلاعاتی شفاف می‌شود کمتر مردم به آن اعتماد دارند. عمدتاً فکر می‌کنند پشت این اطلاعات باز چیز دیگری است که از آنها پنهان مانده است. به نظر تان این آسیب از کجا نشئت می‌گیرد و چطور باید آن را رفع کرد؟**

متأسفانه بعضی از افشارگری‌های مسئولان که به اسم شفافیت است، موجب شد مردم به شفافیت به چشم دیگری نگاه کنند و شفافیت بافشارگری یکی گرفته شود. برخی از عمدتاًسیاسیون برای پیشبرد کار خودشان از عطش مردم برای دانستن استفاده و اطلاعاتی را فاش کردند که صحیح نبود. مثلاً در قضیه بودجه چون می‌خواهند بودجه شرک‌ک‌های دولتی پنهان بماند، پروپاگاندايي به اسم شفافیت علیه مؤسسات فرهنگی آغاز می‌کنند، در حالی نه منتها زمینه را برای ارتقای مشارکت اجتماعی فراهم می‌کند اما عوامل برای به سرانجام رسیدن کاد و بهره‌وری عوامل مختلفی دخیل است که باید درباره آنها فکر کرد. توجه کنید که این احتمالات نباید موجب ترس و مانع ایجاد شفافیت شود.

شفافیت به عنوان مقدمه ضروری است. در شرایط کنونی قطعاً بودن شفافیت بهتر از نبودن‌اش است اما باید فهم کنیم که این قدم اول است و اگر فقط در قدم اول ممانیم، خطراتی برای جامعه به بار خواهد آورد. قدم اول باید برداشته شود تا بعد حساسیت مردمی بالا برود و راه برای مراحل بعدی هموار شود. لذا همین‌طور که مرحله به مرحله شفافیت ایجاد می‌شود، باید از طرف دیگر زمینه‌های فکری و دینی‌ای را که مشارکت، مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی را تقویت می‌کند، بسط ساختارهایی که این زمینه‌ها را پدید می‌آورند، آسیب‌ها را رفع کنیم.